

«سنبلستان» می‌نامند، در روزگاران کهن چهارمین محله‌ای بوده از محلات شش‌گانه اصفهان که در وسط مایل به غرب اصفهان قرار داشته و در روزگار صفویان، به دلیل گسترش فراوان شهر، ۲۴ محله شهر به شمار می‌آمده و اکنون در محله «در دشت» واقع شده است. این گورستان که در روزگار گذشته، مساحت آن به بیش از پنجاه هزار متر مربع می‌رسیده، مربوط به پیش از اسلام و پس از آن بوده، در حدود سال ۱۳۱۰ شمسی، شروع به تخریب آن نمودند و در ۱۳۵۰ که برخی از قبور آن باقی بود و با آن‌که اطرافش را مردم مجاور آن جزو خانه‌های خویش کرده بودند، در عین حال برخی از قبور آن نمایان و آشکار بود، اما به تدریج به دستور شهرداری آن را تخریب و مسطح کردند و به کوشش امین‌التجار، درختستانی به عنوان باغ ملی در آن احداث نمودند و آب از نهر «فدن» بر آن جاری ساختند، بعدها به جای آن مدرسه و بیمارستان امین احداث شد.

در موقع تخریب این گورستان، در آن‌جا مقبره‌های سه طبقه کشف شد که طبقه زیرین آن قبور قوم صائبین بود که آنان را به رسم روزگار خویش در خمره‌های سفالین و به صورت ایستاده دفن می‌کردند و چندین خمره سفالین در آن‌جا یافت شد که مردگان صائبین در آن قرار داشتند.

این گورستان به دلیل مجاورت مسجد سعیدبن جبیر و گنبد و بارگاه و مقبره درب امام، اهمیت و اعتباری خاص یافته بود. مسجد سعیدبن جبیر، در واقع مصلائی او به شمار می‌رفته، هنگامی که وی در اصفهان سکونت داشته است: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۲۵، ۲۶، ۲۷؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۶، ۷، ۱۶۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ط مقدمه و ص ۲۰۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۳؛ بناهای آرمگاهی، ص ۱۱۸.

۳. سورة بقره / ۱۵۶.

۴. بهاء‌الدین کاشانی (شهید ۱۱۳۷ ق / ۱۷۲۵ م)، فقیه، محدث و ادیب. تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما در کاشان دیده به جهان گشوده و در همان‌جا به فراگیری مقدمات علوم پرداخته، سپس برای ادامه تحصیلات راهی اصفهان شده و نزد استادان و عالمان آن دیار، بویژه علامه مجلسی، دانش آموخته و حدیث شنیده است و از مجلسی اجازه نقل حدیث گرفته و از او روایت کرده است.

آثار و تألیفات وی عبارتند از: شرح نهج البلاغه و شرح صحیفه کامله سجاده که متأسفانه اطلاعی نداریم که آیا این دو اثر موجودند و یا از بین رفته‌اند، و آیا جز این دو اثر، آثار دیگری هم داشته است یا خیر و همچنین اطلاعی نداریم که آیا تدریس می‌کرده و شاگردانی داشته و یا تدریس نمی‌کرده است. ولی در هجوم افغانه به اصفهان و قتل و غارت اصفهان، در این شهر در سال ۱۱۳۷ قمری، به شهادت رسید و در گورستان چولمان به خاک سپرده شد و قبر وی تا این اواخر نیز وجود داشته و آیت‌الله مرعشی که سال ۱۳۵۰ قمری، به این شهر رفته، آن را دیده، چنان‌که سید مصلح‌الدین مهدوی نیز، تصریح کرده که آن را زیارت نموده است، ولی در تخریب و تسطیح این گورستان در ۱۳۱۰ شمسی، این قبر نیز، چون دیگر قبور واقع در این گورستان، تخریب گردید: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۲؛ زندگینامه علامه مجلسی، ۱۹/۲؛ تلامذة العلامة المجلسی و المجاوزون منه، ص ۱۸.

الرحلة الاصفهانية

□ حضرت آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش چهارم

لباب سیرالائتین

[الحادی عشر^۱ ربیع الاول سنة ۱۳۵۰]

وردنا مقبرة «چولمان»^۲ من اقدم مقابر اصفهان و ان كانت الدولة الحاضرة تسویها و تهدم قبورها و لم نجد فيها حجراً قبرياً تاريخاً اقل من الف من الهجرة الا صخرة واحدة فان تاريخها كان تسعمائة.

ثم ارتحلنا منها باکین ناحین مما حل علی قبور المسلمین، انا لله وانا اليه راجعون.^۳

و كانت في وسطها حضيرة تسمى بـ «گودال حسین کرد» و قد جمعت الدولة جماجم الاموات فيها و كانت بينها جمجمة كبيرة في الغاية، خارجة عن المعتاد، تشبه جماجم القرون السالفة في أيام الفترة و اسنانها صحيحة مستقيمة.

و دفن في چولمان: الشيخ بهاء‌الدین الكاشي الشهيد بيدالافغان في سنة ۱۱۳۷^۴ [الهجرية] و كان من تلمذة العلامة المجلسی، صاحب البحار.

له شرح علی الصحیفه الكامله و علی التهج و عقبه في کاشان.

۱. در اصل: «لباب سیرالائتین، ثالث عشر».

۲. گورستان چولمان که به زبان محلی قدیم، «چنبلان» یا «چمبلان» و یا «چملان» نامیده می‌شده و امروزه آن را «چولمان» یا «سنبلان» و یا

رنگ نوشته شده است، به نام امیرزاده جهان شاه و مورخ به سال ۸۵۷ قمری است که عبارت نوشته شده بر آن به این شرح است: «در زمانی که والی ولایت عظمی و حاکم حکومت کبری پادشاه جهان پناه ابوالمظفر امیرزاده، جهانشاه - خلدالله سلطانه فلاقت و حکومت - این ولایت با ایاله و اشاره شاهزاده عالم، مؤید قواعدالدین الاحمدی ابوالفتح محمدی - خلدالله سلطانه - مفوض فرموده بود امیر اعظم اعدل معدن العز و الجاه جلال الدین صفر شاه - زادالله دولته... در بنای این بقعه رفیعه و عمارت منیعه طلباً لمرضاة الله اهتمام به کار داشت فی شهور سنة سبع و خمسين و ثمانمأة» و در زیر گنبد کوچک یعنی در راهروی که به صورت شبستان مقبره در آمده - در نزدیکی قرنیز، حاشیه‌ای نواری شکل وجود دارد که بر آن بقایای کتیبه‌ای منقوش دیده می‌شود که شامل ده بیت شعر راجع به تاریخ بنای امام زاده درب امام است و بیت آخر آن این است:

تسام گشت به فضل مفتوح الابواب

به سال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان در سمت شرقی این سردر اصلی، سردر تاریخی دیگری واقع شده که کتیبه‌های آن حاکی از اقدام شاه سلطان حسین صفوی نسبت به تعمیر بقعه درب امام و ساختمان رواق شرقی بقعه است. نوشته‌های یکی از این کتیبه‌ها در سردر جدید عبارت است از: «أمر باتمام هذه العمارة المنور في أيام دولة السطان الاعظم و الخاقان الاكرم مروج المذهب الاثمة المعصومين عليه السلام شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسيني بهادر خان - خلدالله ملکه - علی نقی ابن محمد محسن الامامی، عمل استاد محمدبن محمد غدیر آجر تراش ۱۱۲۷».

در قسمت بالای در و بدون فاصله از آن، کتیبه دیگری روی کاشی، این عبارت نقش شده است: «قد وقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الى مولانا سيد الساجدين التي فيها مزار السيدین امامزاده ابراهيم بطحا و امامزاده زين العابدين بأمر نواب الخاقان بن الخاقان اعظم السلاطين الصفویة المسفورة الفوق، کتبه الفقير عبدالرحيم في ۱۱۲۹».

غیر از این دو کتیبه، کتیبه‌ای دیگر در نمای بیرونی گنبد کوچک که در دوره صفوی ساخته شده شامل سه سطر در گردن گنبد وجود دارد که آسیب دیده است، ولی جملاتی از آن باقی مانده که در قسمت پایین جمله «المن الملك اليوم لله الواحد القهار» و در بالا نام «علی عليه السلام» چندین بار تکرار شده و روی حاشیه، آیاتی از قرآن مجید و در پایان نام نویسنده و تاریخ پایان کار: «کتبه محمدرضا الامامی في احدی و ثمانين و الف» هنوز باقی مانده است و نشان می‌دهد که در سده یازدهم قمری نیز، یکبار تعمیراتی در آن انجام یافته است.

تاریخ ساختمان دو گنبد بزرگ و کوچک درب امام متفاوت است. گنبد بزرگ، معماری سده نهم هجری و در دوره سلطنت شاه عباس اول است.

بنای درب امام از آغاز به شکل حرمی بوده که روی آن گنبدی و جلوی آن دهلیزی قرار داشته است و ساختمان آن در سال ۸۵۷ قمری به انجام رسیده بود. بعدها قبور متعددی در اطراف مرقد امامزادگان احداث شده است. در داخل گنبد بزرگ درب امام، ضریحی بر آرامگاه دو امامزاده قرار داده شده است. این ساختمان از آثار باستانی اصفهان و زیارت‌نگاه مردم اصفهان است: بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۸-۱۲۰؛ نصف جهان، فی تصريف اصفهان، ص ۷۴؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۸۷؛

و ايضاً قبر المير محمد تقی الحسيني التبريزي ابن المير محمد صالح اكان زاهداً، علامة. له رسالة من المحاسبة و والده كان من اطباء الدولة الصفوية. توفي المير محمد تقی سنة ۱۱۲۰ [الهجرية].

ثم فزنا بزيارة اولاد الاثمة في مزار تسمى عندهم «درب امام» و كانت على رأس باب الروضة الشريفة كتائب فيها اسم الشاه سلطان حسين الصفوي و تاريخها سنة ۱۱۲۹ [الهجرية] به خط عبدالرحيم.^۲

۱. مير محمد تقی حسینی تبریزی بن میر محمد صالح (متوفی به سال ۱۱۲۰ ق/۱۷۰۸ م) عالم، فقیه، محدث اخلاقی و زاهد روزگار خویش. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاع زیادی نداریم، اما چون پدرش میر محمد صالح از طبیبان معروف دربار صفویان بوده، بعید نیست که در اصفهان دیده به جهان گشوده باشد و در همان جا نشو و نما یافته باشد؛ اما از اساتید و شیوخ وی نیز اطلاعی در دست نیست. او دارای آثار و تألیفاتی بوده است، ولی از تنها اثری که نام برده‌اند، کتاب محاسبة النفس اوست. وی در ۱۱۲۰ قمری، دیده از جهان فروبست و در گورستان چولمان، به خاک سپرده شد و قبر وی تا این اواخر و قبل از تخریب گورستان چولمان، مورد احترام و زیارت مردم اصفهان بود: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۸۶؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۶.

۲. بقعه یا امامزاده «درب امام»، آرامگاهی است از دو امامزاده به اسامی امامزاده سید زین العابدین ابوالحسن علی بن نظام الدین احمد ایچ بن شمس الدین عیسی رومی بن جمال الدین محمد بن علی عریضی بن امام جعفر صادق عليه السلام از نوادگان امام صادق عليه السلام و امامزاده ابراهیم طباطبا از نبیره‌های حسن مثنی که به گفته مورخان این دو امامزاده، هر دو در یک حرم مدفون و هر دو سید عالی نسب می‌باشند و امامزاده سید زین العابدین از بزرگان سادات و از محدثین عالی قدر بوده است. ولی از تاریخ تولد و وفات و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست و فقط نوشته‌اند که وی پشت دهم سید ابوالحسن علی عریضی (متوفی به سال ۲۱۰ قمری) فرزند امام صادق است. او از امام زاده‌های معتبر اصفهان به شمار می‌رود.

این آرامگاه در محله چولمان (= چمبلان، سنبلان، سنبلستان) از محلات قدیمی شهر اصفهان و در مجاورت محله دردشت و نزدیک مصلاً (یا مسجد چمبلان) قرار گرفته است.

بنای تاریخی درب امام، از دو بنای گنبددار بزرگ و کوچک و یک سردر بزرگ کاشی‌کاری از دوره جهان شاه قراقویونلو که در ضلع شمالی آن واقع است و سه صحن در سه‌جانب شمالی و شرقی و غربی آن تشکیل شده است. نمای خارجی این بنا به جانب هر سه صحن دارای تزیینات کاشی‌کاری و گچبری است و هر دو گنبد آن مخصوصاً گنبد بزرگتر، از کاشی‌های نفیسی پوشیده شده است. در ورودی فعلی بقعه به صحن شرقی باز می‌شود، ولی سردر آن که ساختمان آن در سده نهم هجری، به اتمام رسیده، در جانب شمالی واقع است.

سردر اصلی درب امام که در ضلع شمالی و مشرف به صحن شمالی آن است، از شاهکارهای تزیینات رنگین ایرانی است. کتیبه تاریخی این سردر در جبهه مقابل و جانب غربی باقی مانده، ولی ثلث آخر کتیبه که در جانب شرقی سردر بوده، به کلی از بین رفته است. این کتیبه که به خط ثلث سفید و با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی



و كان قدام الروضة البهیة صحناً مشتملاً علی حجرات عديدة
و فی یمین الروضة ایضاً صحن وسیع.^۱
و كان من المدفونین فی ذئیک الصّحنین عدّة من اولاد الصّفویة
و جماعة من خواجاتها و عبیدها.^۲

ثم ارتحلنا منها الی مقبرة تسمى بـ «مقبرة سر قبر آقا» ای المیر
سید محمد امام جمعة اصفهان و كان لها صحن ذو حجرات فیها القبور
و من جملة الثاوین فی الصحن المذكور:

المیرزا محمد مهدی الشاعر الاصفهانی المتخلص فی شعره «ناجی»^۴
وفاته سنة ۱۳۲۴هـ [الهجریة] و كانت علی لوح قبره ابیات آخرها هذا:

بهر تاریخ او ادیب بگفت

«او مکان کرد سوی خلد برین»^۵

و كان [فی] وسط الصحن بقعة فیها قبر المیر سید محمد امام الجمعة
المتوفی سنة [۱۲۹۱] الهجریة [المذكور ترجمته فی تذكرة القبور].^۷

→ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۴۱-۳۵۲؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۷،
۱۱، ۱۴۲، ۱۶۹؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۸؛ تاریخ
اصفهان همایی، ص ۳۲۱؛ تاریخچه بنیة تاریخی اصفهان، نیکزاد امیر حسینی،
ص ۱۳۵-۱۳۹؛ آثار ایران گذار؛ ۲۳۷/۴-۲۴۲؛ معماری تیموری ایران و توران،
گامبک لیزا، ص ۵۲۷-۵۴۴ و ۹۸۶؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهر آبادی،
ص ۷۶۵-۷۷۲؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، دهمشکی، ص ۳۳۱-۳۳۳.

۱. چنانکه اشاره شد، این امام زاده دارای سه صحن در سه جانب
شمالی، شرقی و غربی است، اما آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته تنها به دو
صحن اشاره کرده است: بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۹ ستون اول.

۲. در منابع و مأخذ، اسامی شاهزادگان صفوی و دیگر مدفونین در
امام‌زاده درب امام ذکر نشده است، اما نوشته‌اند در اطراف مرقد
امام‌زادگان، قبور متعددی احداث و به قدری زیاد شده که دهلیز جلوی
بقعه نیز، مدفن اموات گردیده است و در دهلیز شمالی مرقد، اتافی
وجود دارد و گفته شده که قبر مادر جهان‌شاه قراقویونلو در آن جا قرار
دارد، اما اسامی سایر مدفونین در منابع ذکر نشده است: بناهای تاریخی
و آرامگاهی، ص ۱۱۹ ستون دوم؛ تاریخ اصفهان جابری، همانجا، تذكرة القبور
یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، همانجا و سایر منابع یاد شده فوق.

۳. بیرون دروازه در دشت و در زمین‌های خاویان، عمارت بلند بنیانی
است که به عنوان «تکیه خاندان امام جمعه» و یا «مقبرة خاندان امام
جمعه» ساخته شد و در داخل این عمارت گنبد بزرگی وجود دارد که
در وسط این گنبد چند قبر با سنگ‌های مرمر متصل به هم قرار دارد
که به «سر قبر آقا» موسوم است. جابری نوشته است که به این دلیل
این تکیه یا مقبره را در اینجا ساختند که در مسیر زایران اصفهانی
کربلا و مشهد قرار داشت و با این هدف که زایران در هنگام رفت
و برگشت از اینجا مورد مشایعت و استقبال شوند و به این بهانه
زایران و مشایعت‌کنندگان و کسانی که به استقبال زایران به اینجا
می‌آیند، در این تکیه و مقبره نشسته و فاتحه بخوانند. بر قبور حاج
میرزا حسن و آقا میرزا محمد مهدی و آقا میرزا محمد فرزندان میرزا
حسن، صندوق‌ها گذاشته‌اند و شمایل حاج میرزا حسن که ایستاده
و بیاض دعا به دست داشته و خطبه می‌خوانده و از نفایس بوده، نصب

کرده بودند که با کمال تأسف آن را دزدیده و از ایران خارج کردند.
مرحوم حاج میرزا حسن فرزند میر محمد حسین فرزند میر عبدالباقی
فرزند میر محمد صالح خاتون آبادی، نواده دختر مرحوم مجلسی بوده
و از علمای بزرگ و مرجع و پناه خلق و امام جمعة اصفهان که
جمعیت انبوهی در نماز جمعة وی شرکت می‌کردند، تا آن‌جا که سیزده
صف این طرف میل‌های بیرون مسجد که در میدان شاه قرار داشته،
می‌رسیده است. وی در دوم محرم ۱۲۴۸، دیده از جهان فرو بست
و درین مقبره به خاک سپرده شد و قبر وسط در زیر گنبد سر قبر آقا،
قبر او می‌باشد: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۰، ۳۳۰؛ رجال اصفهان یا
تذكرة القبور، ص ۱۱۴؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،
ص ۲۶۰، ۲۸۷، ۴۸۰، ۴۸۱.

۴. میرزا محمد مهدی اصفهانی متخلص به «ناجی» شاعر و ادیب
اصفهانی، تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاعی
در دست نیست: رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۱۶؛ تذكرة القبور یا
دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۶۱.

۵. در اصل: «۱۳۱۴» که با توجه به بیتی که در تاریخ وفات وی گفته
شده، اشتباه است.

۶. مصرع «او مکان کرد سوی خلد برین» به حروف ابجد، مساوی
است با عدد (۱۳۲۴) که سال مرگ او است؛ ولی آیت‌الله مرعشی سال
۱۳۱۴ قمری را سال مرگ وی عنوان کرده است.

۷. آقا میر سید محمد بن میرزا حسن بن میر محمد حسین بن
عبدالباقی بن میر محمد صالح خاتون آبادی (متوفی به سال ۱۲۹۱ ق)
عالم فاضل، محقق جلیل‌القدر فقیه، مجتهد و امام جمعه معروف
اصفهان که در فطانت، زیرکی، وقار، مهابت و سخاوت و شجاعت
ممتاز و یگانه بوده و در بین امام جمعه‌های سایر شهرستان‌ها در آن
روزگار کسی به مقام او نرسیده است.

تاریخ تولد وی دانسته نیست. میر محمد صالح خاتون آبادی، جد
ایشان داماد مجلسی و نخستین کسی از این خاندان است که به مقام
امام جمعه‌ای اصفهان رسیده، بعدها داماد وی میرزا حسن پدر آقا
میر محمد، به این مقام رسیده و از آن پس مقام امام جمعه‌ای در میان
این سلسله باقی ماند و حتی امام جمعه‌های تهران در آن روزگار
و پس از آن نیز، در میان این خاندان بوده است. برادر بزرگ آقا میر
محمد به نام میر محمد مهدی، پس از وفات پدرشان به این مقام
رسید؛ ولی در سنین جوانی و در حدود ۱۲۵۰ قمری دیده از جهان
فرو بست و آقا میر محمد، به جای او امام جمعه اصفهان شد و تا زنده
بود، در این مقام از حقوق مردم در مقابل عوامل حکومت قاجار دفاع
کرد و به مقام و منزلتی رسید که دست ناصرالدین شاه قاجار از تسلط
بر اصفهان و نواحی و توابع آن کوتاه شد، چنان‌که وقتی ایشان در
چهارشنبه دهم شعبان ۱۲۹۱ دیده از جهان فرو بست، خبر مرگ وی
که به ناصرالدین شاه رسید، نفسی به راحتی کشید و گفت: «ما امروز
بر اصفهان و بلاد مجاورش دست شاهی یافتیم!» و این سخن به
خوبی عظمت آقا میر محمد امام جمعه را نشان می‌دهد. پس از مرگ،
وی را در سر قبر آقا زیر همان گنبد و در جلوی قبر پدرش به خاک
سپردند و قبر میر محمد مهدی با مادرش در صندوق مرمر بزرگ
و جلوی روی قبر آقا میر سید محمد است: المآثر و الآثار، ص ۱۵۷؛
رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۱۴؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان
اصفهان، ص ۴۸۰؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۰، ۲۷۳.

و بجنبه قبر المیرزا محمد علی المجتهد الشہید ب«السینی»^۱ و فاته سنة ۱۳۳۲ [الهجریة]. و بجنبه ایضاً قبر الآخوند ملاً محمد حسین بن الملاً ولی^۲ و فاته سنة ۱۳۰۹ [الهجریة] والانام المدفون مع المیرزا محمد علی و غیره كانوا من تلمذة الآخوند ملاً محمد.^۳

باب سیر الثلثاء [الثانی عشر من ربيع الاول ۱۳۵۰]

تحرکنا من منزلنا مدرسة الصدر، عازمین المقبرة المشهورة ب«آب بخشان»^۴ و هی مقبرة وسیعة و فی وسطه قبر الجوهری. قبر المیرزا محمد ابراهیم الجوهری،^۵ الذي له کتاب مسمی ب«الجوهری» فی رثاء مولانا الحسین علیه السلام و علی قبره لوح حجری منقوش فیہ اشعار آخرها:

کلک سحرانگیز او بنوشت این مصرع تمام
«همره سلطان دین آید به محشر جوهری»^۶

۱. میرزا محمد علی سینی اصفهانی، از عالمان پارسا که تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز، اطلاع دقیقی در دست نیست، جز این که نوشته اند وی در ۱۳۳۲ قمری دیده از جهان فرو بست و در وسط صحن مقبره سرقبر آقا به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۱۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۶۱.

۲. آخوند ملاً محمد حسین بن ملاً ولی (متوفی به سال ۱۳۰۹ ق) عالم فاضل، ریاضیدان و عارف به کلام و حکمت. از تاریخ تولد و اساتید وی اطلاعی در دست نیست، ولی نوشته اند که وی در علم ریاضی استاد کامل بوده و بسیاری از فضلا و علمای پس از وی در اصفهان از شاگردان او هستند و نزدیک به صد سال عمر کرد و در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در اول ایوان جلو و داخل گنبد از بالا سر مقبره سرقبر آقا به خاک سپرده شد و قبرش هم سطح با زمین است: تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۳۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۱۶.

۳. دیگر عالمانی که در این مقبره مدفون هستند عبارتند از:
الف. آقا میرزا عبدالعلی هرنندی (۱۲۲۲-۱۳۰۶ یا ۱۳۰۷ ق) عالم فاضل که در اصفهان از مقدمات تا شرح لمعه و جز اینها را تدریس می کرد و دو شرح بر شرح الفیه سیوطی نوشته و همچنین بر بسیاری از کتابهای نحو و غیر آن از اصول و فقه حواشی و تعلیقه نوشته است: از دیگر آثارش: رساله عیدیه در فضایل اعیاد؛ رساله صیغ عقود و شرح دعای یامن ارجوه می باشد: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۱۶-۱۱۷.

ب. صادق ملاً رجب (متوفی به سال ۱۳۰۵ ق) شاعر هزل گوی اصفهانی که به کتابت قرآن نیز، اشتغال داشته و عمری را به زهد و قناعت گذرانده و نزدیک به هشتاد سال عمر کرده است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۱۶ (پاورقی)؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ اثر آفرینان، ۹/۴؛ الذریعه، ۵۸۰/۹.

ج. میرزا عبدالحسین خوشنویس هرنندی (متوفی به سال ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م) از اساتید خط و خوشنویسی اصفهان: رجال اصفهان یا

تذکره القبور، ص ۱۱۷؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۲۵.
۴. گورستان یا مقبره آب بخشان و یا آب بخشگان، یکی دیگر از قبرستانهای قدیمی اصفهان بوده که در زمین پهناور و دراز مرتبی قرار داشته و در جای خیابان فعلی چهارباغ واقع بوده است و آنگاه که خیابان چهارباغ را ساختند در زمینهای این گورستان کشیدند و باقی اراضی آن را مردم خریداری کردند و باغ و خانه ساختند. قبور بسیاری از علما و بزرگان در این گورستان بوده مانند مولا حسین تغلیسی و ابن یحیی شاعر که عوام آن را قبر ابن یامین می خوانند و برخی گفته اند، قبر ابونعیم اصفهانی، دانشمند پرآوازه اصفهانی نیز در اینجا قرار داشته است: تاریخ اصفهان، ص ۱۳۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۰۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۲.

۵. میرزا ابراهیم بن محمد باقر هروی قزوینی اصفهانی متخلص و معروف به «جوهری» (متوفی به سال ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۷ م) شاعر و ادیب، مورخ، و مرثیه سرای عاشورا.

تاریخ تولد وی دانسته نیست، ولی اصل او از هرات و ساکن قزوین بوده و بعدها به اصفهان منتقل شده است. خوانساری، محدث قمی و آقا بزرگ تهرانی، نام وی را «میرزا محمد باقر» نوشته اند، اما براساس دیگر منابع، نام وی «ابراهیم» یا «محمد ابراهیم» است و محمد باقر، نام پدر اوست. او خود در مورد تخلص و شهرتش در مقدمه نسخه چاپی کتابش طوفان البکاء تصریح کرده است که تخلص و شهرتش «جوهری» است. آقا بزرگ نوشته است که او غیر از جوهری جرجانی و «میرزا طوفان» متخلص به «جوهری» است. او شاعری مرثیه سرا و صاحب کتاب مقتل فارسی به نام طوفان البکاء است که به جوهری نیز معروف است. این کتاب در مقتل سیدالشهدا و سایر شهیدان کربلا می باشد و نخستین بار در ۱۲۵۸ قمری چاپ سنگی شده و پس از آن تاکنون دهها چاپ مختلف از آن انجام گرفته است.

برخی مرگ وی را ۱۲۴۰ یا ۱۲۴۹ قمری نیز، نوشته اند؛ اما آنچه بر لوح قبر وی نقر شده، همان سال ۱۲۵۳ قمری است. پس از مرگ او را در گورستان «آب بخشان» (بخشان) از توابع بیدآباد به خاک سپردند: روضات الجنات، ۴۸/۲ - ۴۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۳ - ۱۴۴؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۵؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۱۰۱؛ خلد برین، ص ۸۴؛ اعیان الشیعه، ۲۰۳/۲ - ۲۰۴؛ شرح حال رجال ایران بامداد، ۳۰۲/۳؛ سرآمدان فرهنگ ایران، ۱/۲۶۵؛ الذریعه، ۲۱۱/۹ - ۲۱۲؛ دائرة المعارف فارسی، ۱/۷۷۵؛ ریحانة الادب، ۱/۴۳۸؛ مکالم الآثار، ۱۲۳۸/۴ - ۱۴۴۵؛ هدیه الاحباب، ص ۱۲۱؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۱۶۶؛ الکنی واللقاب، ۱۶۳/۲؛ معجم المؤلفین، ۱/۸۷؛ اثر آفرینان، ۲/۲۲۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل جوهری؛ مجله یادگار، سال ۴۱۴/۳، ص ۱۵؛ فهرستان آستان قدس، ۳۲۳/۴؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۴۵/۱ - ۴۶.

۶. مصرع «همره سلطان دین آید به محشر جوهری» به حروف ابجد مساوی با عدد (۱۲۵۳) می باشد؛ که سال مرگ وی را نشان می دهد و معلوم نیست این اختلاف در سال مرگ وی که بر روی سنگ قبرش ۱۲۵۳ و در این شعر ۱۲۵۳ و در برخی منابع ۱۲۴۰ و ۱۲۴۹ ثبت شده، به چه علت است و کدام یک از این تاریخها صحیح است؛ گرچه ظاهر امر نشان می دهد که آن چه بر سنگ قبر او و در این مصرع آمده، صحیح باشد.



تاریخ وفاته ذلك.

و قبر الميرزا محمدرضا^۱ و كان من العلماء و الفقهاء و قبره قريب من المسجد الواقع عند آب بخشان و تاريخ وفاته سنة ۱۲۶۷ [الهجرية]. و قبر المير محمد حسين بن الميرزا محمد رفيع حفيد الميرزا رفيعا النائيني الطباطبائي^۲ قريب ذاك المسجد و على قبره لوح، عليه اشعار آخرها:

گفتار رفيق از پي تاريخ آن امام

«يا رب به خلد جاي محمد حسين باد»^۳

تاريخ وفاته آخر البيت، المطابق ۱۱۷۵ [الهجرية].

و في آب بخشان بقعة مشرفة على جادة واقعة في وسط آب بخشان فيه قبر الآخوند ملا محمد حسين التفليسي^۴.

و فيه قبر الحاج محمد هادي الهرندي^۵ اخو الملا مهدي الهرندي المشهور.

و في آب {بخشان} ايضاً قبر الميرزا محمد علي التبريزي الفقيه الشاعر^۶. له ديوان شعر بالفارسي. تخلصه «صباح» و عقبه في آذربايجان، توفي سنة ۱۱۶۹ [الهجرية]. له كتاب تذكرة الشعراء.

و فيه ايضاً قبر ملا محمد حسن طلائي^۷ علامة فقيه كيمياوي، المتوفي سنة ۱۱۲۹ [الهجرية]. له شرح مفتاح الجلدكي و شرح شذور الذهب و شرح رسالة جابر بن حيان و غيرها.

و بجنبه قبر والده المولى محمد الخراساني الهندي^۸، المتوفي

۱. ميرزا محمدرضا مشهور به «فقيه» (متوفى به سال ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م) فقيه، عالم و زاهد در روزگار خویش. از تاريخ تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست، جز این که نوشته‌اند وی در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در نزدیک مسجدی واقع در آب بخشان، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۴۴؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۲۷.

۲. مير محمد حسين بن ميرزا محمد رفيع الدين بن مهدي بن محمد بن ميرزا رفيعا، معروف به «شيخ الاسلام» (متوفى به سال ۱۱۷۵ ق/ ۱۷۶۱ م) از عالمان اواخر دوره صفوی. تاريخ تولد وی دانسته نیست و از زندگی او نیز، اطلاعات زیادی نداریم، جز این که نوشته‌اند وی در اصفهان روی از جهان درکشید و در نزدیک مسجد آب بخشان، رخ در نقاب خاک فرو برد: رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۴۴؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۴۴، ۷۶.

۳. مصرع «يارب به خلد جاي محمد حسين باد» مساوی است با عدد «۱۰۹۰» که اگر کلمه «امام» را از مصرع اول به آن اضافه کنیم می‌شود «۱۱۷۲» که با سال مرگی که آیت‌الله مرعشی رحمته‌الله اعلام کرده متفاوت است.

۴. آخوند ملا محمد حسين تفليسي (متوفى به سال ۱۱۹۷ ق/ ۱۷۸۳ م) عارف، مفسر و مدرس. تاريخ تولد وی معلوم نیست، اما در اصفهان می‌زیسته و در آنجا تدریس می‌کرده است و گروهی از طلاب و فضلاء اصفهان، نزد وی دانش آموخته‌اند. او معاصر آقا محمد

بیدآبادی است. تفلیسی اثر معروفی در تفسیر قرآن داشته که به تفسیر تفلیسی، شهرت یافته است. وی در همان اصفهان دیده از جهان فرو بست و در قبرستان آب بخشان به خاک سپرده شد و بر فراز قبر وی، بقعه‌ای ساختند که پس از تخریب و تسطیح این قبرستان، آن بقعه نیز، خراب شد و بعدها، استخوان‌های او را به قبرستان تخت فولاد منتقل ساختند و در بقعه صاحب روضات الجنات، به خاک سپردند. بسیاری از علما و مقدّسان اصفهان، به وی اعتقاد کامل داشتند: تاريخ اصفهان جابری، ص ۱۶۹، ۱۸۱؛ رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۹۹، ۱۴۲، ۱۴۳؛ اعيان الشیعة، ۵/۱۶؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثاني عشر)، ص ۱۹۱؛ الذریعة، ۲۶۷/۴؛ معجم المؤلفین، ۳/۱۷۳؛ اثر آفرینان، ۱۶۰/۲.

۵. حاج محمد هادی بن حاج محمد ظهیر بن حاج محمد سمیع بن حاج خدایبخش هرندي (متوفى به سال ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰ م) عالم فاضل و از مقدّسان روزگار خویش. از تاريخ تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست؛ جز این که نوشته‌اند وی در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در جنب بقعه ملا حسن تفلیسی، در مقبره آب بخشان، به خاک سپرده شد.

برادر وی ملا مهدي هرندي (متوفى به سال ۱۱۸۰ ق/ ۱۷۶۶ م) از علمای بزرگ زمان خود بود و از مير محمد حسين خاتون آبادی اجازه روایی داشته و در نهم جمادی الثانی در اصفهان، درگذشت و در صندوقچه چوبی واقع در کنار ایوانچه غربی بقعه مرحوم مجلسی مدفون است. ملا مهدي بر اصول کافی تعلیقات و حواشی مفیدی نوشته است: مکالم الآثار، ۱/۱۵۳؛ رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۳۲، ۱۴۶؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۳۴، ۲۳۵.

۶. ميرزا محمد علی تبريزي، عالم، اديب و شاعر و متخلص به «صباح». شرح حال و زندگانی و تاريخ تولد وی را در هيچ منبعی نیافتم و فقط در مورد وی در رجال اصفهان یا تذكرة القبور، قسمت تعلیقات ص ۱۴۶ اشارتی کوتاه شده است. آقا بزرگ تهرانی، از شخصی به نام محمد علی تبريزي یاد کرده است که از ميرزا احمد خاتون آبادی بن محمد مهدي شريف، اجازتی در قرائت دعای سیفی داشته و از او روایت کرده است و این اجازه نزد سید محمد بن محمد تقی بن محمد علی شاه عبدالعظیمی نجفی بوده و آقا بزرگ آن را دیده است (طبقات اعلام الشیعة «قرن الثاني عشر» ص ۵۱۸) که احتمال دارد همین شخص باشد، اما در الذریعة به دیوان و کتاب تذكرة الشعراء وی اشاره‌ای نکرده است.

۷. مولا محمد حسن طلائي بن ملا محمد خراسان (متوفى به سال ۱۱۲۹ ق/ ۱۷۱۷ م) عالم فاضل و فقیه کامل که در فن کیمیا، چیره دست بوده و مهارت داشته و کتاب‌هایی در این فن تألیف کرده است و یا بر کتاب‌های این فن شرح و حاشیه نوشته، از آن جمله: شرح رسالة جابر بن حیان؛ شرح شذور الذهب و شرح مفتاح جلدکی و جز این‌ها. او در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در مقبره آب بخشان، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۴۶؛ تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۴.

۸. ملا محمد خراساني معروف به «هندي» (متوفى به سال ۱۱۱۰ ق/ ۱۶۹۸ م) عالم فاضل و محقق جامع و پدر مولا محمد حسن طلائي که در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در مقبره آب بخشان به خاک سپرده شده است: تذكرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۴، ۴۷۳؛ رجال اصفهان یا تذكرة القبور، ص ۱۴۶.

سنة ۱۱۱۰ [الهجرية].

و ايضاً فيه قبر المير محمد مهدي المشهدي^۱، من علماء خراسان و جاء من خراسان مع الشيخ بهاء الدين الاستيري الشهيد الى اصفهان للشكوى من مساهلة المأمورين في دفاع الافاغنة، فلم يرتب الدولة لشكواهما اثراً، فرجع الشيخ الى خراسان و استشهد بها و بقي السيد في اصفهان الى زمان نادرشاه و توفي...^۲

و قبر العالم الجليل مولانا ميرزا محمد بن الجهان بخش المازندراني^۳، قريب بقعة التفليسي و تاريخ وفاته ۱۳ شعبان سنة ۱۱۲۰. و كذا قريب تلك البقعة قبر الميرزا عبدالله بن الميرزا محمد هادي^۴، حفيد الشاه عباس، وفاته شعبان سنة ۱۱۷۱ و الظاهر أنه لم يكن من العلماء.

و قريب تلك البقعة كان قبراً على لوحه هكذا بعد اسقاط الالقباب، انّ الثاوي به: الشيخ احمد بن العلامة الشيخ ابي تراب بن العلامة الشيخ محمد حسن القاضي بن العلامة المشتهر في الآفاق الشيخ عبدالله الجيلاني^۵ مولداً و الاصفهاني مسكناً و مدفناً ابن العارف الكامل المشهور «الشيخ زاهد الجيلاني المشهور و تاريخ وفات الشيخ احمد المذكور سنة ۱۳۰۹ [الهجرية]. و له صفة مخصوصة.

و قريبه قبر السيد عبدالواسع بن السيد محمد مهدي^۶ و تاريخ وفاته سنة ۱۱۵۱ [الهجرية].

و قريب قبر الشيخ احمد، ايضاً قبر العالم الفقيه القاضي الميرزا محمد ابراهيم^۷ و تاريخ وفاته سنة ۱۱۶۰ [الهجرية].

۱. مير محمد مهدي حسيني مشهدي (نیمه اول سده دوازدهم هجری قمری) از علما و فضلاي خراسان. از تاريخ تولد و زندگانی و حتی درگذشت وی اطلاع دقیقی در دست نیست. جز این که نوشته اند وی به هنگام حمله شیرغازی خان ازبک به خراسان و سهل انگاری مأموران صفوی در دفاع از مردم خراسان و مشهد، از غایت درد دین داری، همراه با شیخ بهاء الدین استیری (شهید به سال ۱۱۲۸ ق/ ۱۷۱۵ م) برای شکایت و تظلم و گزارش جنایات ازبکان به اصفهان رفت و نزد امرا و بزرگانی که با دربار صفوی ارتباط داشتند، صحبت کرد؛ اما ثمری و اثری ندید و بر عکس گروهی از عالمان اصفهان و درباریان از سخنان وی و استیری سخت مکدر و ناراحت شدند، و روی از آنان برتافتند. یار وی شیخ بهاء الدین استیری به خراسان بازگشت و در آن جا به دست صفی قلی خان صفوی شهید شد و میر محمد در اصفهان ماندگار شد و در اوایل سلطنت نادرشاه افشار، در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در مقبره آب بخشان، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۶؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الثانی عشر)، ص ۷۶۵؛ مجمع التواریخ، ص ۲۴-۲۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۷.

۲. در این جا مطلب تمام شده است و آیت الله العظمی مرعشی نجفی^ع سال مرگ وی را ذکر نکرده است.

۳. میرزا محمد بن جهان بخش مازندرانی (متوفی به سال ۱۱۲۰ ق/

۱۷۰۸ م) عالم فاضل، محقق، حکیم و فیلسوف و از بزرگان علما و فقها در روزگار خویش. او گویا مدتی در هندوستان سکونت داشته و در سال ۱۰۸۰ قمری در قریه «داجرم» از قرای دکن کتاب منهاج الصلاح علامه حلی را استنساخ کرده است که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۵؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، ۱۹۲/۱؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۰.

۴. میرزا عبدالله بن میرزا محمد هادی (متوفی به سال ۱۱۷۱ ق/ ۱۷۵۷ م) عالم فاضل و ادیب شاعر و زاهد و متخلص به «محزون» و از احفاد شاه عباس دوم: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۱۹ (۱۴۵)؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۴.

۵. احمد بن ابي تراب بن محمد حسن بن عبدالله گیلانی (متوفی به سال ۱۳۰۹ ق/ ۱۸۹۱ م) عالم فاضل. تاریخ تولد و شرح زندگانی وی در دست نیست؛ جز این که نوشته اند، در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در مقبره آب بخشان در کنار پدر و نیاکانش، به خاک سپرده شده است. جدش شیخ محمد حسن گیلانی، از سلسله مشایخ بیدآباد است و در گیلان مستولد شده و در اصفهان سکونت داشته است و در همان جا نیز، در گذشته و در آب بخشان به خاک سپرده شده است: تاریخ حزین، ص ۹۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۵؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۳-۵۴.

۶. سید عبدالواسع بن سید محمد مهدي حسینی خاتون آبادی (متوفی به سال ۱۱۵۱ ق/ ۱۷۳۸ م) عالم فاضل و از سلسله جلیله خاتون آبادی های اصفهان که در اصفهان دیده از جهان فرو بسته است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۵؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۵.

۷. میرزا محمد ابراهیم یا چنان که آقا بزرگ نوشته میرزا ابراهیم بن غیاث الدین محمد اصفهانی خوزانی (متوفی به سال ۱۱۶۰ ق/ ۱۷۴۷ م) فقیه اصولی و حکیم. تاریخ تولد وی دانسته نیست. اما در خوزان (خوراسگان) اصفهان دیده به جهان گشود و در اصفهان، مشهد و عتبات عالیات از افرادی چون مولا علی نقی بن محمد تقی خباز، محمد نصیر گلپایگانی، محمد محسن گلپایگانی، حاج محمد نصیر، نظام الدین حسین بن محمد اسماعیل خادم، مولا کمال الدین محمد فسوی، مولا ابوالحسن شریف عاملی فتونی و گروهی دیگر دانش آموخته و اجازه دریافت کرده است. و کسانی مانند آقا باقر هزارجریبی و نصرالله بن حسین بن علی مدرّس حسینی حائری از او دانش آموخته اند و اجازه دریافت کرده اند. وی در آغاز قاضی اصفهان شد و سپس، قاضی عسکر، سپاهیان نادرشاه افشار گردید و اندکی پیش از کشته شدن نادر، به دست نادرشاه افشار شهید شد. آقا بزرگ تهرانی، شرح حال مفصلی از وی آورده است و همچنین آثار و تألیفات و برخی اجازات وی را که به شاگردانش داده، به این شرح آورده:

۱. «اجازه» روایت مبسوطی شامل ۵۰۰ بیت به سید نصرالله بن حسین بن علی حسینی حائری شهید که در ۲۷ ذی قعدة ۱۱۴۵، آن را نوشته است. این اجازه را آقا بزرگ ضمن مجموعه ای شامل اجازات مشایخ سید نصرالله که به وی اجازه داده اند و سید نصرالله آنها را گردآوری کرده و آن را سلاسل الذهب المربوطة بقنادیل العصمة السامخة



و قریب قبر الشیخ احمد، ایضاً قبر المیر سید محمدبن المیرزا محمد طاهر الحسینی البروجردی^۱ و تاریخ وفاته سنة ۱۱۹۴ [الهجرية] و كان عالماً جليلاً زاهداً و عليه لوح حجری كبري بخط الاستاذ علینقی الزماني.

و كان بجانب الشیخ احمد قبر علی لوحه، انه قبر الشیخ عبدالله^۲ و تاریخ وفاته ۱۱۰۴ [الهجرية] و یحتمل قویاً ان یكون جد الشیخ احمد المذكور في نسه.

و كان قریب قبر التفلیسی قبر، لوح منقوش علیه، انه قبر المیرزا محمد سعید و ابن المیرزا محمد طاهر^۳، خلیفه سلطانی و تاریخ الوفات ۲۴ صفر سنة ۱۱۱۶ و احتمال عندي قویاً كونه من ذرية جدی الخلیفة سلطان الحسینی. ثم لم یظهر لي ما معنی «الواو» بین العلم و الكنية اهل هو قبر شخصین ام شخص واحد؟ ذكر اسمه و عطف علیه كنیته.

و كان في زاوية آب بخشان متصلًا ببستان قبر علیه حجر عظیم منقوش علیه انه قبر كمال الدین بن محمد بن جمال الدین الاصبهانی^۴ - طاب ثراه - و تاریخ وفاته ربیع الاول سنة ۹۳۵ و حدثنی الحاج ابوالحسن الاصبهانی المشهور بـ «پوستی» ای بایع الجلود و هو في حدود ثمانین سنة من الشفاء، انه قبل عشرين سنة رأیتا علی هذا القبر ضوء من اللیل الی الصبح و ظهر للناس انه قبر رجل من الصلحاء و الزهاد او العلماء، انتهى.

→ الرتب نامیده، در کتابخانه سید محمد باقر بن میرزا ابوالقاسم حجت طباطبائی حائری دیده است.

۲. «اجازه» روایتی به آقا محمدباقر هزارجریبی نجفی که قسمتی از آن ضمن اجازه هزارجریبی به آیت‌الله بحر العلوم آمده است.

۳. «اجازه» روایتی به حاج شیخ محمد زمان کاشانی که اجازه‌ای بزرگ است و در ضمن مجموعه اجازات کاشانی از شیوخ خویش آمده است و نسخه‌ای از آن به شماره ۷ در مجموعه شماره ۶۰۶۲ نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی آمده و موجود است.

۴. استحباب تختم به عقیق، که نسخه‌ای از آن به شماره ۶۱۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۵. تفسیر، که نسخه‌ای از جلد اول آن به گفته آقا بزرگ، نزد آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی بوده است و تفسیری به زبان فارسی شبیه تفسیر ابوالفتح رازی است.

۶. الدرهم و الدینار، در بیان احکام آن‌ها.

۷. رساله في تحريم الغناء، رد بر رساله سید ماجد بحرانی.

۸. رساله في شرعية تلقين میت الاطفال، که نسخه‌ای از آن به شماره ۶۱۲۶ ضمن مجموعه وقفی حاج عماد فهرسی به آستان قدس، در این کتابخانه موجود است.

۹. مسألتي لزوم الخروج عن الماء في الغسل الارتماسی و وجوب الصب

على الاعضاء الثلاثة فی الترتیبی، که نسخه‌ای از آن ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه تهرانی در سامرا در بیش از ۴۰۰ بیت موجود است.

۱۰. وجوب سکوت در وقت استماع قرآن، که نسخه‌ای از آن به شماره ۵۷۱۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این رساله همان تفسیر آیه «واذا قرئ القرآن» است.

۱۱. امان الحثیث في دراية الحديث.

۱۲. حواشی بر کتب اربعه.

آثار دیگری نیز به وی نسبت داده‌اند، اما اسامی آنها را ذکر نکرده‌اند: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۴۴؛ فوائد الرضویه، ص ۹؛ راهنمای دانشوران، ۲۵۹/۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۳؛ اعیان الشیعه، ۲۰۳/۲؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الثاني عشر)، ص ۸-۱۱؛ الذریعه، ۱۳۰/۱-۱۳۵؛ ۱۴۸، ۲۰۴/۴، ۱۴۷/۸، ۱۳۸/۱۱، ۱۸۴/۱۴، ۶۱/۲۰، ۳۹۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی، ۶۳/۱۶؛ فهرست القبای کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ص ۴۴، ۳۷۱، ۵۹۹.

۱. میر سید محمد بن میرزا محمد طاهر حسینی بروجرودی (متوفی به سال ۱۱۹۴ ق/ ۱۷۸۰ م) فقیه زاهد و عالم عابد. از تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست، جز گزارش کوتاهی راجع به این‌که وی در اصفهان می‌زیسته و در همان‌جا نیز، چشم از جهان فرو بسته و در مقبره آب بخشان به خاک سپرده شده است. بر فراز قبر وی سنگ بزرگی است که کتابت روی آن به خط استاد علی نقی زمانی است. قبر میرزا محمد طاهر (پدر وی) نیز، در کنار قبر اوست: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۴۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۴.

۲. عبدالله گیلانی (متوفی به سال ۱۱۰۴ ق/ ۱۶۹۲ م) عالم فاضل او آخر دوره صفویان که گویا از نیاکان شیخ احمد بن شیخ ابوتراب گیلانی است و پدر شیخ عبدالله، شیخ زاهد گیلانی مشهور است. بر سنگ مزار وی نوشته بود که او دارای آثاری است از جمله: حاشیه بر شرح تجرید؛ حاشیه بر قواعد علامه؛ منظومه‌ای در عقاید و شرح بر شرح فصوص جامی؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۴۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶۵.

۳. میرزا محمد سعید بن میرزا محمد طاهر (متوفی به سال ۱۱۱۶ ق/ ۱۷۰۴ م) حکیم فاضل و عالم زاهد، در منابع و مآخذی که به وی اشاره کرده‌اند، مطلبی راجع به این‌که وی از نوادگان خلیفه سلطان باشد، یافت نشد و فقط در یکی از منابع آمده است که میرزا محمد طاهر خلیفه سلطانی از عالمان فاضل اصفهان بوده و پس از وفات در قبرستان آب بخشان، به خاک سپرده شده است و احتمال دارد که به گفته آیت‌الله مرعشی وی پدر میرزا محمد سعید باشد: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۴۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶۸، ۱۶۹.

۴. کمال‌الدین بن محمد بن جمال‌الدین اصفهانی (متوفی به سال ۹۳۵ ق/ ۱۵۲۹ م) عالم فاضل و ادیب محقق و مشهور به «خواجه کمال‌الدین». از تاریخ تولد و زندگانی وی نیز اطلاعی در دست نیست و فقط نوشته‌اند که وی در کنار دیوار شرقی آب بخشان و متصل به باغ به خاک سپرده شده بود که تا این اواخر نیز، قبر وی موجود بود: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۴۶؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۶.

لباب سیر الاربعاء [الثالث عشر من ربيع الاول ۱۳۵۰]

خرجنا من منزلنا مدرسة الصدر صباحاً عازمين مقبرة واقعة في محلة تسمى بـ «چنار دال بطی»^۱ اصله «چنار دار البطیخ» لانهم كانوا يبيعون البطیخ هناك سابقاً و كانت في تجاه الشجر الكبير الذي يسمونه «چنار» تبعه و فيها من القبور:

اول قبر قريب الصحن قبر الخواجه نظام الملك^۲ و على قبره لوح حجرى كبير منقوش في اطرافه آية الكرسي.

ثم بعده على الترتيب قبر العالم الجليل المير علي الشهيد^۳ مما نقله عن خادم تلك البقعة و الظاهر عندي انه المير علي الشير، وزير السلطان حسين ميرزا باغرا المشهور، والله العالم.

ثم بعده في وسط البقعة قبران منسوبان الى رجلين من ذرية مولانا زين العابدين عليه السلام و قبرهما صفتان مخضرتان بالكاشي.

ثم في وراء دينك القبرين، ثلاثة قبور على الترتيب: اولها قبر صغير و هو قبر الميرزا مؤمن^۴ و تاريخ وفاته سنة ۹۲۳

۱. مقبرة «دال بطی» یا «دار البطیخ» (که مردم آن را «دالبتی» یا «دالبتی» تلفظ می کنند) واقع در محله دار البطیخ جنب احمد آباد اصفهان، به گفته جابری، بازار میوه فروشان و یا، به تعبیر آخوند گزی، میدان سبزی فروش ها بوده است و به «دار البطیخ» شهرت داشته است. جابری اضافه کرده که چون «خربوزه» اصفهان گرمی تر و نامی ترین میوه ای که در آن جا به فروش می رسیده و به لطافت و حلاوت و دوام آن در دیگر بلاد پیدا نمی شده است، آن جا را «دار البطیخ» خوانده اند. محقق تاریخ اصفهان در تعلیقه ای بر این تعلیل گفته است:

دار البطیخ همه جا به معنای بازار تره بار فروشان است و آنچه مؤلف گفته است اساسی ندارد و استدلال کرده است به گفته های زمخشری که گفته است: «دار البطیخ تباع فیها انواع الفواکه و الریاحین و نسبت الی البطیخ لفضله علی سائر الفواکه» استدلال به سخن زمخشری چندان گفته محقق را اثبات نمی کند که سخن جابری را نقض کند؛ زیرا جابری غیر از همین گفته چیزی بیان نکرده است و فقط گفته است که چون خربوزه اصفهان چنین و چنان بوده، به این نام خوانده شده است. در منابع دیگر غیر از دار البطیخ بغداد، دار البطیخ ری، دار البطیخ سامرا نیز، یاد شده که با توجه به این نامگذاری ها در برخی از بلاد می توان استنباط کرد که سخن زمخشری که چون خربوزه بر سایر میوه ها فضیلت داشته، از این رو این اماکن را «دار البطیخ» می نامیده اند، به حقیقت نزدیک تر است.

ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام الملك در این محله، مدارسی ساخته اند و ساختمان های عالی بنا نهاده اند، و قبور زیادی نیز، در این محل از بزرگان و علما و اشراف موجود است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۳ - ۱۹۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷، ۱۸، ۱۱۸، ۱۷۰؛ گنجینه آثار اصفهان، ص ۲۲۳؛ «مجله یغماء» سال ۲۹، ص ۶۷۰ نک: ربيع الاپرار، ۱/۲۷۴؛ احسن التقاسیم، ص ۳۹۱؛ شمار القلوب، ص ۵۱۹؛ سرزمین های خلافت شرقی، ص ۳۰۸.

۲. امیر ابو علی قوام الدین حسن بن علی بن اسحاق بن عباس نوقانی

رادکانی طوسی معروف به «خواجه نظام الملك» (۴۰۸-۴۸۵ ق/ ۱۰۱۸ - ۱۰۹۲ م) از رجال و دانشمندان و وزیران و نویسندگان عهد سلجوقیان که در نوقان طوس به دنیا آمد و در نزدیکی نهاوند یا بروجرد به دست فدائیان اسماعیلی کشته شد و جنازه اش به اصفهان منتقل و در مدرسه ای که خود به نام «نظامیه» در محله دار البطیخ ساخته بود به خاک سپرده شد و از این رو آن جا را «تربت نظام» خوانند.

خواجه نظام الملك از وزیران مقتدر و با تدبیر و صاحب حشمت به شمار می آمده است (ده سال در عهد الب ارسلان و بیست سال در روزگار ملکشاه سلجوقی). از آثار او کتاب سیاست نامه است که از آثار مهم نثر و ادب فارسی است. وی مدارس و خانقاه ها و بیمارستان هایی نیز در بعضی از بلاد ایران و جهان اسلام بنا کرد که مهم ترین آنها: نظامیه اصفهان، نظامیه ری، نظامیه نیشابور و نظامیه بغداد است: انساب سمعانی، ۳۷/۶؛ المنتظم ابن جوزی، ۶۴/۹ - ۶۸ - ۳۰۲/۱۶ (۳۰۷ - ۳۰۷)؛ زبدة التواریخ حسینی، ص ۱۳۹ - ۱۴۶؛ تاریخ دولة آل سلجوقی، ص ۸۱؛ ذیل تاریخ دمشق، ص ۱۲۱؛ الکامل فی التاريخ، ۲۰۴/۱۰ - ۲۰۶؛ وفيات الاعیان، ۱۲۸/۲ - ۱۳۱؛ آثار البلاد قزوینی، ص ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۸ به بعد؛ سیر اعلام النبلاء، ۹۴/۱۹ - ۹۶؛ الوافی بالوفیات، ۱۲۳/۱۲ - ۱۲۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۴۸۱ - ۴۹۰ ق)، ص ۱۴۲ - ۱۴۸؛ طبقات الشافعیه الكبرى، ۱۳۵/۳؛ روضات الجنات، ۸۷/۳؛ اعیان الشیعه، ۲۲۵/۲۲؛ الاعلام زرکلی، ۲۰۲/۲؛ معجم المؤلفین، ۵۶۵/۱؛ دائرة المعارف فارسی، ۳۰۳۶/۲/۲؛ تاریخ گزیده، ص ۴۳۱ - ۴۳۹؛ تاریخ آل سلجوق، ص ۴۷، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۰؛ گنجینه آثار اصفهان، ص ۲۳۳؛ «مجله یغماء»، سال ۲۹، ص ۶۷۰؛ تاریخ اصفهان، ص ۸۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۷۰؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۳ - ۳۱۶؛ گنجینه آثار ملی، عباس بهشتیان، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۳. میر سید علی شهید (شهید ۸۵۹ ق/ ۱۴۵۵ م) از بزرگان علمای زمان خویش بوده است که در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در مقبرة دال بطی یا دار البطیخ، به خاک سپرده شده است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۴؛ گنجینه آثار ملی، ص ۱۰۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۴۴.

۴. میرزا مؤمن (متوفی به سال ۹۲۳ ق/ ۱۵۱۷ م). در منابع و مآخذ دو نفر به این نام آمده اند: یکی همین شخص مذکور که در منابع به عنوان میرزا محمد مؤمن حکیم، ادیب و شاعر، که در اصفهان می زیسته و در همان جا نیز، در گذشته و در مقبرة دال بطی به خاک سپرده شده است؛ دیگری میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی (متوفی به سال ۱۱۱۰ ق/ ۱۶۹۸ م)، حکیم فاضل و پزشک عهد شاه سلیمان صفوی که کتاب خویش تحفة المؤمنین یا تحفة المؤمنین و یا تحفة حکیم در طب را به نام وی نوشته و مکرراً در ایران و هند، چاپ شده است. اتفاقاً وی نیز، در همین مقبره مدفون است و برخی به اشتباه این دورا یکی دانسته اند و کتاب تحفة حکیم و چند اثر دیگر را به نام های: شرح و ترجمه ادعیة الترس یا نهج البتر فی ادعیة الترس ابوالرضا ضیاء الدین فضل الله بن علی بن هبة الله راوندی «متوفی به سال ۵۴۸ ق/ ۱۱۵۳ م) و تبصرة المؤمنین در رد بر حکمة العارفين محمد طاهر شیرازی و تفسیر سورة القدر یا تفسیر سورة الملك را به هر دو نفر نسبت داده اند. در حالی



[الهجرية] و يظهر من لوحه انه كان عالماً.

ثانيها قبر منسوب الى الملك المشهور الب ارسلان^۱ على قول وال سلطان سنجر على آخر ولكن استبعدت الامرين معاً، لانه على القبر، لوح حجرى منقوش في جوانبه اسماء المعصومين من اهل البيت على طريق الشيعة و من المعلوم حال الب ارسلان و سنجر خصوصاً زمانهما و الله الهادى.

و ثالثها قبر منسوب الى السلطان ملك شاه السلجوقى^۲ و على قبره لوح حجرى منقوش فيه آية الكرسي ولا تاريخ له و الله اعلم. و في قدام القبرين المنسوبين الى الهاشميين اللذين مر ذكرهما فى الزاوية قبر، عليه لوح حجرى للميرزا جمال الدين الحسين بن عالى حضرت شهريارى صفى الدين محمد الصفوي^۳، هكذا كانت العبارة و تاريخ وفاته سنة ۹۳۳ [الهجرية].

و من المدفونين فى تلك البقعة، الميرزا محمد^۴ معيناً^۵ المتوفى ۱۱۲۰ [الهجرية] و كان من العلماء و الشعراء و الكتاب.

ثم لما خرجنا من هذه البقعة رأينا بقعة اخرى و فيها قبر، منسوب الى ابراهيم بن موسى بن جعفر عليه السلام^۶ و من المعلوم انه ليس بابنه بلافضل، كما هو المحقق عند اهل النسب و هذا المزار ايضاً واقع فى تلك المحلة، اى محلة «دال بطنى» كما اسلفنا، انتهى.

۵۵- تاريخ الاسلام ذمى (حوادث و وفيات ۴۸۱ - ۴۹۰ ق) ص ۱۶۲ - ۱۶۴؛ معجم الانساب و الاسرات الحاكمة، ص ۵۲، ۷۳؛ تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۵؛ تاريخ اصفهان جابري، ص ۱۸؛ تاريخ گزيده، ص ۴۳۰ - ۴۳۴؛ روضة الصفا، ۲/۲۷۲؛ حبيب السير، ۲/۳۱۲، ۳۹۴ به بعد؛ گنجینه آثار ملى، ص ۱۰۶، ۱۰۷.

۲. ملك شاه بن الب ارسلان سلجوقى سلطان غياث الدين محمد بن ملكشاه (متوفى به سال ۵۱۱ ق/ ۱۱۱۷ م). در ۳۵ سالگی درگذشت و در اين مكان به خاک سپرده شد؛ تاريخ گزيده، ص ۴۳۴ - ۴۴۰؛ روضة الصفا، ۴/۱۳۸، ۱۹۳، ۲۰۱ - ۲۱۱ به بعد؛ حبيب السير، ۲/۲۱۲ - ۳۱۵، ۳۱۷ به بعد؛ تاريخ اصفهان جابري، ص ۷، ۱۸، ۱۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۴۵؛ تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۵.

۳. جمال الدين حسين بن صفى الدين محمد صفوى (متوفى به سال ۹۵۳ ق/ ۱۵۴۶ م). از شاهزادگان و اميرزادگان خاندان صفوى؛ از تاريخ تولد و زندگانی وى اطلاعى در دست نيست؛ تنها مطلبى كه راجع به وى نوشته اند، مطلبى است كه بر سنگ قبر وى نوشته شده است: «وفات جناب مرحمت پناه جمال الدين ابن محمد ابن عالي حضرت شهريار خاجه (كذا) صفى الدين محمد، بتاريخ شهر رمضان سنة ثلاث و خمسين و تسعمائة». آيت الله العظمى مرعشى نجفى عليه السلام تاريخ درگذشت وى را ۹۳۳ قمرى و سيد مصلح الدين مهدوى ۹۲۳ قمرى نوشته اند. بر من معلوم نشد كه به صورت قطع کدام يك از اين تاريخها صحيح است، اما چون در گنجینه آثار اصفهان سال درگذشت وى را از روى سنگ قبر با عين عبارت آن نوشته است، آن را انتخاب كرديم.

در حاشيه اين سنگ به خط نستعليق برجسته، اشعارى است به شرح زير:

بلبلى خون جگر خورد و گلى حاصل كرد

باد غيرت به صددش آه پريشان دل كرد

قرة العين من آن ميوه دل يادش باد

كه خود آسان بشد و كار مرا مشكل كرد

ساربان بار من افتاد خدايا مددى

كه اميد كرم همره اين محمل كرد

آه و فرياد كه از دست حسودان ناگه

در لحد ماه كمان ابروى من منزل كرد

و در قسمت فوقانى اين سنگ به خط ثلث نوشته شده: (الحكم لله

تعالى) و بر دو جانب آن عبارات زير نقش بر حجر است:

نساد علياً مظهر العجائب تجده عوناً لك فى النوائب

كل هم و غم سينجلي بولايتك يا على يا على يا على

گنجینه آثار تاريخى اصفهان، ص ۲۴۳ - ۲۴۴؛ رجال اصفهان يا تذكرة

القبور، ص ۱۹۴؛ تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۴.

۴. ميرزا محمد معيناً (متوفى به سال ۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۸ م) از كاتبان

و نويسندگان و شاعران و اديبان عهد صفوى؛ رجال اصفهان يا تذكرة

القبور، ص ۱۹۴؛ تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۴.

۵. در اصل: «مغيثاً».

۶. در هيچ يك از منابع راجع به ابراهيم بن موسى بن جعفر عليه السلام مطلبى

نيافتم؛ جز در مقدمه كتاب تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان

(ص يو) كه اشارتى کوتاه به وى شده است.

→ كه اين دو نفر از هم متفاوت هستند؛ ميرزا محمد مؤمن حكيم متوفى به سال ۹۲۳ قمرى است و ميرزا محمد مؤمن بن ميرزا محمد زمان حسيني تنكابنى متوفى به سال ۱۱۱۰ قمرى است و فاصله زيادى با هم دارند (نك: طبقات اعلام الشيعة (قرن الثانى عشر) ص ۷۴۶ - ۷۴۷؛ تذكرة القبور يا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۵؛ مؤلفين كتب چاپى فارسى و عربى مشار، ۵/۱۶۶؛ فهرست كتابهاى چاپى فارسى مشار، ۱/۱۲۰۳ - ۱۲۰۲؛ ریحانة الادب، ۲/۶۰؛ الذريعة، ۱/۳۹۶ - ۳۹۷، ۳/۳۲۵، ۴۰۲ - ۴۰۳؛ ۴/۳۴۲، ۵/۸۷، ۲۴/۴۱۲؛ ۲۶/۱۴۸؛ هدية العارفين، ۲/۳۰۸؛ بزرگان تنكابين، ص ۲۵۳ - ۲۵۵؛ گنجینه آثار تاريخى اصفهان، ص ۲۴۳.

۱. جلال الدين ابوالفتح حسن بن محمد الب ارسلان بن چغرى بيك بن سلجوق معروف به «ملك شاه» (۴۴۷-۴۸۵ ق/ ۱۰۵۵-۱۰۹۲ م). وى در ۴۶۵ قمرى به سلطنت دست يافت و در اثر كاردانى و لياقت خواجه نظام الملك از معروف ترين و مقتدر ترين سلاطين سلجوقى گرديد؛ المنتظم، ۹/۶۹ - ۷۴ (۳۰۸/۱۶ - ۳۱۳)؛ الكامل فى التاريخ، ۱۰/۲۱۰ - ۲۱۴؛ وفيات الاعيان، ۵/۲۸۳ - ۲۸۹؛ سير اعلام النبلاء، ۱۹/۵۴